

فصلنامه جهان نوین

No 4, 2 021 , P 6 5 -7 7

سال سوم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۶۵-۷۷

(ISSN): 2645 - 3479

شماره شایا: (۲۶۴۵ - ۳۴۷۹)

تبیین اجتماعی عوامل مؤثر بر آگاهی جوانان از حقوق شهروندی جوانان

محمد حسینی ۱

چکیده:

حقوق شهروندی مجموعه قواعد و قوانینی است که زمینه‌ساز ورود شهروندان به عرصه‌های مختلف اجتماعی جامعه است. هدف این پژوهش، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی جوانان از حقوق شهروندی است. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان که شامل ۳۰۰۰ دانشجوی می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۵۰ برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق یافته و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. روایی تحقیق از طریق کارشناسان و متخصصان تأیید شده و پایایی تحقیق ۰/۸۹ از طریق آلفای کرونباخ به دست آمد. داده‌های به دست آمده از طریق نرم‌افزار spss بر مبنای اهداف تحقیق از طریق آزمون‌های تی مستقل، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین آگاهی از حقوق شهروندی و آموزش اجتماعی، مشارکت در عرصه عمومی، استفاده از رسانه‌های جمعی رابطه آماری معناداری دارد. همچنین میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان برحسب جنسیت تفاوت معناداری مشاهده نشد، اما بر مبنای مقطع تحصیلی در میان دانشجویان، میزان آگاهی از حقوق شهروندی تفاوت معناداری وجود داشته است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، آموزش اجتماعی، رسانه‌های جمعی، مشارکت عمومی، دانشجویان.

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، جایگاه و امتیازات شهروندان است. به دنبال تحولات اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی در دو قرن گذشته و فروپاشی بنیان حکومت‌های خودکامه و پیدایش مفاهیم جدید در ادبیات سیاسی و حقوقی، دوره جدیدی در تجربه تاریخی بشر رقم خورد. پیدایش مجلس قانون‌گذاری، تفکیک قوای حکومتی، تجدید قدرت سیاسی و ظهور قوانین اساسی به‌عنوان میثاقی عمومی میان حاکمیت سیاسی و شهروندان، افق نوینی را در تنظیم و شفافیت روابط متقابل دولت و شهروندان گشود و حقوق و امتیازات شهروندان در قوانین اساسی دولت‌های جدید جایگاهی ممتاز یافت (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۶). شهروندی عمدتاً مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات است. حقوق شهروندی به‌عنوان جزئی بسیار مهم از مقوله شهروندی در ابعاد مختلفی نظیر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، جنسی و فرهنگی مطرح می‌شود. حقوق شهروندی به‌ویژه در بعد سیاسی‌اش مشارکت برای سازماندهی اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵).

شهروندی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های امروزی و شاخص کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است. وجوه مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی عبارت از برخورداری عادلانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی مذهبی و قومی است. پدیده شهروندی کامل در نهایت منجر به مشارکت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه می‌گردد. علی‌رغم تنوع تعاریف متعدد از حقوق شهروندی، موضوع واحدی در همه آنها وجود دارد و آن تأکید بر حقوق و وظایف است. اما نکته مهم آن است که شهروندان افزون بر برخورداری از فرصت‌ها و مسئولیت‌ها باید از دانش و منابعی که آنها را قادر به مشارکت می‌کند نیز بهره‌مند گردند. جامعه و متصدیان وظیفه تأمین این نیاز را بر عهده دارند به‌عبارت‌دیگر شهروندی کامل در ترکیب ابعاد مختلفی از آگاهی و رفتار تحقق می‌یابد (محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰).

شهروندی حق مشارکت در قدرت سیاسی و برخورداری از حقوق مدنی و اجتماعی را می‌دهد. این مفهوم ترجمان حقوق و آزادی‌های اساسی و عمومی جامعه بوده و اساسی‌ترین نیازهای هر ملت را در برمی‌گیرد. حقوق شهروندی در تعریف خود ناظر بر حقوق فردی و رابطه فرد با دولت و دیگر شهروندان است و در برگیرنده ابعاد سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. شهروندان به موجب قانون دارای حقوق برابر و

یکسان هستند و نظام سیاسی جامعه موظف به تثبیت و حمایت این حقوق و تأمین برابر آن برای تمام شهروندان فارغ از تعلقات قومی و نژادی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی و اقتصادی آنان است (داودوندی و شیانی، ۱۳۸۹). آگاهی افراد از حقوق شهروندی نخستین عامل در تسهیل صحیح ملت و دولت و روابط متقابل و تعاملات افراد در جامعه است. بدون

آگاهی، هیچ تغییری در این زمینه مشاهده نخواهد شد و شرایط مناسب برای مشارکت افراد در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش فراهم نمی‌شود. حتی قانون به‌عنوان عاملی در بروز و نهادینگی حقوق شهروندی، بدون آگاهی افراد جامعه تحقق‌پذیر نیست. براین اساس اگرچه آگاهی افراد اجتماع از هر مقوله اجتماعی تنها عامل تعیین‌کننده در اجرا و تثبیت آن محسوب نمی‌شود، اما نخستین عامل اساسی در هرگونه دگرگونی و خواست عمومی به شمار می‌آید. مادامی که میزان آگاهی افراد یک جامعه از حقوق شهروندی خود در ابعاد مدنی، اجتماعی و سیاسی در سطح مناسبی نباشند، نه توانایی و پشتوانه‌ای نظری جهت مشارکت عالی در امور مختلف جامعه خواهند داشت و نه قدرت ابلاغ خواست‌های عمومی خود به حاکمیت سیاسی را دارند. از سوی دیگر آگاهی اجتماعی خودبه‌خود و بدون پشتوانه حادث نمی‌شود. عوامل متعدد از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در میزان روند آگاهی‌های اجتماعی افراد جامعه مؤثر هستند. در این میان عوامل اجتماعی و فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. زیرا در صورتی که شرایط اجتماعی و فرهنگی فراهم نشود، توسعه آگاهی‌های افراد نیز با موانع جدی مواجه خواهد بود؛ لذا ملاحظه می‌شود که بین عوامل اجتماعی و فرهنگی با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی رابطه جدی وجود دارد و طبعاً متغیرهای مانند آموزش‌های اجتماعی، رسانه‌ها و مشارکت افراد در عرصه‌های عمومی و میزان تحصیلات با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵). شهروندی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی است که درون شبکه‌های مفهومی و در بستر تاریخی و اجتماعی، محتوا و معنای خود را آشکار ساخته است. این مفهوم در فرایند تاریخی و به تبع تحولات پدید آمده در جوامع دگرگون شده است. چنان‌که مکاتب و صاحب‌نظران این مفهوم را در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار دادند و هریک بعد یا ابعادی از آن تاکید داشته‌اند. در بررسی تحولات نظری مفهوم، به یک اعتبار می‌توان دو مکتب لیبرالیسم و مکتب جمهوری خواه را از یکدیگر تفکیک کرد (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹). در مکتب لیبرالیسم اصالت با فرد است. پس فرد موجودی عقلانی و آزاد در انتخاب شیوه زندگی خود به شمار می‌رود و دولت نیز در این میان نقش بی‌طرف دارد؛ بنابراین شهروندی باید بر مبنای حقوق باشد، اگرچه این امر به معنای فراموش کردن وظایف نیست بلکه نشان می‌دهد که حقوق بنیادی‌ترند. توماس هابز از جمله متفکران لیبرال است که حقوق شهروندی را شامل حق اعمال‌نظر، حق انتخاب وکیل و نماینده و حق آزادی بیان می‌داند و معتقد است مادامی که شهروندان از این حق برخوردار نشوند جامعه مدنی به معنای واقعی خود شکل نخواهد گرفت. در حالی که در مکتب جمهوری خواهی این تعهدات و وظایف است که نقش محوری ایفا می‌کنند. شهروندی در این تفکر یک عمل و فعالیت تعریف می‌شود. افراد بر جامعه اولویت ندارند بلکه هویت خود را در بستر اجتماعی شکل می‌دهند. به بیان دیگر عضویت در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را شهروند می‌کند (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۴).

اولین تلاش منظم نظری در این سنت مربوط به ارسطو است. به عقیده وی شهروندان کسانی هستند که به طور چرخشی در زندگی مدنی و شهری در حکم راندن سهم می‌باشند. در این نظام حکومتی شهروندان قادر به آگاه شدن از ویژگی‌های یکدیگرند. از دیدگاه ارسطو شهروند صاحب حقوق، حق دارد که برای کسب حاکمیت تلاش کند و بپذیرد دیگران نیز صاحب حق هستند که برای تصرف و حاکمیت جانشینی او بکوشند (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

جامعه‌شناسان نیز به مفهوم شهروندی به نظرانی اجتماعی را ارائه داده‌اند. به زعم مارشال شهروندی موقعیتی است که به همه اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آنها، با یکدیگر برابرند. هیچ اصل فرا شمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چیستند، اما جوامعی که در آنها شهروندی نهادی در حال رشد است، تصویری از شهروند آرمانی خلق می‌کنند که دستیابی به آن قابل اندازه‌گیری است و می‌توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد (مارشال، ۱۹۶۴: ۱۷). به عقیده مارشال شهروندی به سه بخش مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. حقوق مدنی شامل آزادی از انواع مشخصی از تجاوز غیرقانونی به‌ویژه به وسیله دولت است (کاستلز و دیدوسون، ۱۳۸۲: ۲۲۸). حقوق سیاسی به معنای برخورد همه افراد از زمینه‌های مشارکت در بخش‌های مختلف جامعه است. حقوق اجتماعی هم طیف وسیعی از انواع حقوق مانند حق حداقل‌هایی از میزان رفاه و امنیت و زندگی کرد مطابق استانداردهای رایج غالب در جامعه به شیوه‌های متمدن را شامل می‌شود (مارشال، ۱۹۶۴: ۱۹-۲۰). ژانوسکی با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی همچون مارشال به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی حقوق شهروندی حقوق هستند که گروه‌های مختلف از آنها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی‌اند. وی به‌طور کلی چهار نوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۲۸).

در حالی که وبر در تعریف خود از شهروندی بیشتر به حقوق سیاسی شهروندان مانند حق رأی و حق نمایندگان توجه داشت، برداشت مارکسیستی از حقوق بر پایه جمع‌گرایی استوار بوده است (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹). مارکس با زیربنا قرار دادن منابع اقتصادی و رو بنا قرار دادن آگاهی و شعور انسان‌ها به شهروندی و حقوق مربوط به آن توجه داشته است. به عقیده وی مجموعه این روابط پایه واقعی بنای حقوقی و سیاسی را می‌سازند و با صورت‌های معینی از آگاهی همراه‌اند. در نظام سرمایه‌داری نابرابری‌های وسیع طبقاتی وجود دارد و جایی برای شهروندی و مشارکت افراد نیست، پس شهروندان دارای حقوق برابر نیستند (مارکس، ۱۹۶۷: ۲۹). در همین راستا در اندروپ شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند چرا که اگرچه شهروندی یک موقعیت

حقوقی برای همه افراد به شمار می‌رود اما در واقع یک امتیاز برای عده‌ای از افراد به شمار می‌رود که از آن برخوردارند (دارندروف، ۱۹۹۴: ۱۴-۱۸).

پارسنز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخوردار بودن همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به‌زعم وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص‌گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از حقوق شهروندی ندارند (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). هابرماس، معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به‌زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (هابرماس، ۱۹۹۴: ۳۵۰-۳۴۵).

به عقیده ترنر، شهروندی بر دسترسی افراد گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است. در کنار این منابع وی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: حقوق اقتصادی مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دسترسی به رفاه و تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی. این موارد به حقوق اجتماعی متمایز از حقوق انسانی با فرض عضویت در دولت ملت مربوط می‌شود؛ بنابراین در تأکید بر ایده شهروندی، علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب، اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است، پس در تعریف وی، شهروندی عاملی فعال است؛ بنابراین شهروندی از پایین به بالا است و شهروندان با آگاهی از حقوق وظایف خود در امور جامعه مشارکت می‌کنند (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۷). در انتقاد به دنیای مدرن، پست‌مدرن‌ها مباحث و مجادلاتی را درباره ارتباط شهروندی با ملیت و جهانی‌شدن، هویت‌های مختلف فرهنگی، جنسیت و وضعیت اقلیت‌ها مطرح کرده‌اند.

چنان که به اعتقاد آنان، ماهیت شهروندی در دوران مدرن دچار تناقض شده و محدودیت در زمینه دولت - ملت، همه‌شمولی و مساوات‌طلبی در رویکردهای لیبرال مشاهده می‌شود که برای دستیابی به شهروندی واقعی باید از میان برداشته شود. فالکس، از جمله پست‌مدرن‌هاست که در شهروندی پسامدرن خود به دفاع از لیبرالیسم می‌پردازد. به عقیده وی حقوق فردی ما تنها هنگامی معنادار هستند که به‌وسیله احساس تعهد به دیگران حمایت شوند، دیگری که هم حقوق ما را به رسمیت می‌شناسند و هم به ما در ایجاد و پایدار ساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می‌سازند، یاری می‌رسانند (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۰۷).

فمینیست‌ها نیز عمده بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می‌کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوق فراتر از حقوق مدنی، سیاسی، و اجتماعی می‌دانند. اگرچه بخشی از مسأله طرد زنان از حقوق شهروندی به شرایط سیاسی مربوط می‌شود اما در بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خود زنان مربوط می‌شود. حقوق جنسیتی بر محور حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود. چنان که برخی از دیدگاه‌ها زنان را نیازمند برخورداری از حقوق ویژه در مقایسه با مردان می‌دانند که باید شناخته و به آنان اعطا شود (شیانی، ۱۳۸۲: ۴۱)؛ بنابراین زنا برای اینکه به‌مثابه شهروندان زندگی کنند، باید آگاهی از حقوق شهروندی خود را معطوف به عملشان در تمان عرصه‌های خصوصی و عمومی زندگی کنند. یانگ، از دیگر متفکران پست‌مدرن با گسست از سنت لیبرال معتقد است که ادعای لیبرال‌ها درباره حقوق شهروندی به سرکوب اقلیت‌ها و نفی تفاوت‌ها منجر می‌شود. وی با تأکید بر حقوق گروهی، شهروندی را نوعی قرارداد اجتماعی می‌داند که هدف اصلی آن ارتقاء امنیت و رفاه در جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (فتحی، ۱۳۸۱: ۲۱).

تحقیقات فراوانی در حوزه حقوق شهروندی انجام شده است. حاجزاده و منصور (۱۳۹۲) تحقیقی تحت عنوان سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که شهروندان از میزان آگاهی به حقوق شهروندی در حد متوسطی می‌باشند. همچنین بین نگرش به حقوق شهروندی، استفاده از رسانه، حضور در عرصه عمومی، تحصیلات و سن با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری بوده است ربانی و همکاران (۱۳۸۵) تحقیقی تحت عنوان عوامل فرهنگی اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان شهروندان اصفهانی انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین آموزش‌های اجتماعی، رسانه‌های جمعی، حضور در عرصه‌های عمومی، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری دارد. شیانی و دادوندی (۱۳۸۹) تحقیقی تحت عنوان تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه تهران انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان آگاهی دانشجویان از

حقوق شهروندی بر حسب جنسیت متفاوت بوده است. همچنین بین میزان آگاهی اجتماعی دانشجویان و نگرش‌های آنان به موضوعات مختلف با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه آماری معناداری دارد.

رابطه آماری پیترسون و مازلر (۲۰۰۹) پژوهشی را باهدف کشف میزان آگاهی دانشجویان در زمینه شهروندی فعال انجام دادند یافته‌ها نشان داد که میزان آگاهی دانشجویان در زمینه شهروندی مطلوب و زیاد بوده است. کوتسلی (۲۰۰۸) مطالعه‌ای در دانشگاه علوم تربیتی قبرس در بین دانشجویان انجام داد. نتایج مطالعه نشان داده است که دانشجویان به طور پیوسته درباره مفاهیم حقوق بشر، فرهنگ و سیاست به بحث و گفتگو می‌پردازند و آنها در جهان به شدت چندفرهنگی آموزش شهروندی را پیشنهاد می‌دهند. آگاهی از حقوق شهروندی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود؛ بنابراین میزان آگاهی از حقوق و تعهداتشان شیوه‌های فعال‌شدن آنها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقا آن نقش مؤثری دارد؛ بنابراین شهروندی بیش از آنکه نیازمند بحث در باره شاخص‌ها و مؤلفه‌های حقوق و وظایف باشد، ضرورت بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن را بازتاب می‌دهد. آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و مطالبات آنان جایگاه ویژه‌ای دارد. دانشجویان قشر ممتاز هر جامعه هستند که بیشتر برگزیدگان و سرآمدان از میان آنها برمی‌خیزند. این گروه در شکل‌دهی به آگاهی مردم از حقوقشان نقش مؤثری داشته و از توانایی فراوانی در ایجاد تحرک و جریان‌سازی در افکار عمومی و مشارکت در امور جامعه برخوردارند. در نتیجه به‌مثابه گروه مرجعی به شمار می‌روند که افراد نگرش‌ها و رفتارهایشان را از آنان اقتباس می‌کنند. در شرایط فعلی، دانشجویان از یک سو در معرض تغییرات پدید آمده در جهان و ایران مانند جهانی‌شدن، دسترسی به اطلاعات و فناوری‌های نوین بوده و از طرف دیگر آموزه‌های متفاوتی را در عرصه آموزش‌های دانشگاهی دریافت می‌کنند. در همین راستا نظام آموزش عالی و محتوای برنامه‌های آن سهم به‌سزایی در آگاهی و شکل‌دهی به نگرش دانشجویان خواهد داشت. به‌این ترتیب آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه ایران به‌ویژه در میان دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین انجام‌دادن تحقیقات و پژوهش‌هایی که در حوزه ارزیابی میزان آگاهی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آگاهی حقوق شهروندی انجام می‌شود بیش‌ازپیش احساس می‌شود. بر این مبنا در این تحقیق قصد داریم به این پرسش پاسخ گوئیم که بین عوامل اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد؟

فرضیات تحقیق

۱. بین میزان آموزش اجتماعی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین میزان مشارکت در عرصه عمومی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

۴. میزان آگاهی از حقوق شهروندی بر حسب جنسیت، مقطع تحصیلی متفاوت می‌باشد.

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان که شامل ۳۰۰۰ دانشجو می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق یافته و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. روایی تحقیق از طرق کارشناسان و متخصصان تأیید شده و پایایی تحقیق ۰/۸۹ از طریق آلفای کرونباخ دست آمد. داده‌های دست آمده از طریق نرم‌افزار SPSS بر مبنای اهداف تحقیق از طریق آزمون‌های تی مستقل، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

۱- بین میزان آموزش اجتماعی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱- رابطه بین آموزش اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

آموزش اجتماعی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
	۰/۷۲	۰/۸۴	۰/۰۰۱

بر اساس خروجی جدول اول می‌توان بیان کرد که سطح معنی داری نشان می‌دهد که بین میزان آموزش اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه آماری معنی داری وجود دارد ($\text{Sig} = 0/001$). ضریب همبستگی نشان‌دهنده همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور است ($r = 0/84$). همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۷۲ درصد از نمرات مربوط به میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی به وسیله عامل میزان آموزش‌های اجتماعی تبیین می‌شود ($r^2 = \%72$).

۲- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲- رابطه بین استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

استفاده از رسانه‌های جمعی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
	۰/۷۳	۰/۸۵	۰/۰۰۰

بر مبنای جدول دوم، سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد ($Sig= 0/000$). ضریب همبستگی نشان‌دهنده همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور است ($r = 0/85$). همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از نمرات مربوط به میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی به وسیله عامل میزان آموزش‌های اجتماعی تبیین می‌شود ($r2=73\%$).

۳- بین میزان مشارکت در عرصه عمومی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳- رابطه بین مشارکت در عرصه عمومی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
مشارکت در عرصه عمومی	۰/۷۸	۰/۸۸	۰/۰۰۰

بر مبنای جدول سوم، سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که بین مشارکت در عرصه عمومی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد ($Sig= 0/000$). ضریب همبستگی نشان‌دهنده همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور است ($r = 0/88$). همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۷۸ درصد از نمرات مربوط به میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی به وسیله عامل میزان آموزش‌های اجتماعی تبیین می‌شود ($r2=78\%$).

۴- میزان آگاهی از حقوق شهروندی بر حسب جنسیت، مقطع تحصیلی متفاوت می‌باشد.

جدول ۴- میزان آگاهی از حقوق شهروندی بر حسب جنسیت و مقطع تحصیلی

	جنسیت	مقطع تحصیلی
جنسیت و مقطع تحصیلی	۰/۰۷	۰/۰۴

بر مبنای جدول چهارم، می‌توان بیان کرد که آگاهی از حقوق شهروندان در میان دانشجویان بر حسب جنسیت تفاوت معناداری ندارد. یعنی بیم دختران و پسران دانشجویان تفاوت معناداری ندارد ($Sig= 0/07$). اما میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت معناداری دارد. ($Sig= 0/04$).

بحث و نتیجه‌گیری

شهروندی به‌عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن فراگیر، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی ناظر بر احساس تعلق اجتماعی به جامعه و مؤثر در مشارکت همگانی فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است. حقوق شهروندی امتیازاتی است که افراد مقیم در یک جامعه از لحاظ مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و قضایی باید از آن برخوردار باشند. هر جامعه‌ای با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز به شهروندانی آگاه دارد. تا بتوانند در قالب حقوق و وظایف تعیین شده، در

چارچوب فضایی سیاسی - اجتماعی فعالیت کنند. دستیابی به چنین هدفی نیازمند تدابیر و زمینه‌های لازم برای آگاه‌سازی شهروندان است. پس آگاهی از حقوق و وظایف امری حتمی است.

بر اساس یافته‌های تحقیق بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و آموزش اجتماعی، مشارکت در عرصه عمومی و استفاده از رسانه‌های جمعی رابطه آماری معناداری وجود دارد که با یافته‌های تحقیق‌های (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ شیانی و دادوند، ۱۳۸۹؛ شریفی و امامیه، ۱۳۹۱) همسو بوده است.

پایین بودن میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان به‌عنوان مهمترین سرمایه هر جامعه زنگ خطری است که مسئولین و کارشناسان باید برای افزایش آگاهی دانشجویان برنامه‌های مدون و کاربردی تدوین و اجرا کنند. در راستای افزایش میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی پیشنهاد می‌شود که در سطح دانشگاه و به‌صورت هفتگی سمینارهای کارآمد و مفید با حضور حقوقدانان و جامعه‌شناسان مطرح برگزار گردد و دانشجویان را با حقوق شهروندی در ابعاد متفاوت آن آشنا کنند. بعد از آشنایی با حقوق شهروندی شرایط مشارکت و فعالیت دانشجویان را در زمینه‌های مختلف اجتماعی فراهم کنند. این تحقیق با محدودیت‌های روبه‌رو بود. تحقیقات کمی در موضوعات اجتماعی کافی نبوده و پیشنهاد می‌شود از روش‌های کیفی و کمی در چنین تحقیقاتی استفاده شود. همچنین در سطح نمونه وسیع‌تری مانند منطقه‌ای و استانی این نوع تحقیقات انجام پذیرد و عوامل مؤثر بر میزان آگاهی بر حقوق شهروندی نیز مشخص شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدی طباطبایی، محمدرضا (۱۳۸۸) حقوق شهروندی با تاکید بر قانون جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۸-۳.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۰) انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲.
- حسام، فرحناز (۱۳۸۰). هویت شهروندی، اندیشه و پژوهش، سال پنجم، شماره ۵۱.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- فالكس، حیث (۱۳۸۱) شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق و تأمین اجتماعی، سال اول، شماره یک.
- فتحی، کورش (۱۳۸۱) تربیت شهروندی، تهران: نشر فاخر، چاپ اول.
- کاستلز، استفان و دیدوسون، آلی ستر (۱۳۸۲). مهاجرت و شهروندی، مترجم: فرامرز تقی‌لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ربانی، رسول؛ حقیقیان، منصور و اسماعیلی، محمد (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی و میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۶-۸۵.
- شیانی، ملیحه و داودوندی، طاهره (۱۳۸۹). تحلیل بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره پنجم، صص ۶۰-۳۵.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره س، صص ۱۸-۳۸.
- محمدی، جمال و تبریزی، نازنین (۱۳۹۰) سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری، مجله جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، شماره اول، صص ۱۹۰-۱۷۵.
- شریفی، اصغر و اسلامی، فاطمه (۱۳۹۱) بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۲۴-۱۰۹.
- مصطفی، حاجزاده و منصوری، اعظم (۱۳۹۲) سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۷.
- Koutselini, Mary (2008). Citizenship Education in Context: Student Teacher Perceptions of Citizenship in Cyprus. *Intercultural Education*, Vol 19, No 2 . PP: 163- 175. April 2008.
- Peterson, Andrew & Knowles, Catherine (2009). Active Citizenship: A Preliminary Study into Student Teacher Understandings. *Journal of Educational Research*, Vol 51 No 1, PP 39-59. Mar 2009.

- Dahrendrof, R (1994). " Citizenship and Beyond: Beyond: The social Dynamics of an Idea", in B.S Turner and P.Hamilton(ed) Citizenship Critical Concept, London :Routledge
- Janoski, T (1998)., citizenship and civil society, Cambridge universitypress
- Marx,k. (1967). on the jewish question in k.marx early political writings. cambridge:cambridge university press
- Marshall, T.H. (1994). citizenship and social class in B.S.turner & Hamilton, citizenship: critical concept. London: Roul ledge
- Habermas, J (1992). Citizenship and National Identity: some Reflections on the Future of Europe , in B.S Turner and P.Hamilton, and , Citizenship Critical Concept , London: Routledge



The role of entrepreneurship in business management

niloofar Vojdanian

M.Sc. Student of Business Management, Entrepreneurship Orientation, Faculty of Economics and Management, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Iran

Abstract:

Simply put, entrepreneurship is the process of starting a business based on a new idea. Maybe because of the lack of open economic space, an individual or company starts entrepreneurship. The key element of creating a business and the resulting management is the birth of the entrepreneur and entrepreneurship. The purpose of this article is to examine, determine the role and type of entrepreneurial relationship in business management. With the aim of applied implementation and correlational survey of 100 people, a questionnaire was assessed on the relationship between the two and the role of entrepreneurship in business management. Analysis of the results in SPSS software showed that there is a significant relationship between the two and entrepreneurship plays a predictive role for business management. Also, in order to identify the effective factors in prioritizing them in the approach of this role, 15 active and specialized experts in the relevant affairs were measured in the form of a pairwise comparison table, which was determined by special vector method. It is economical.

key words: Entrepreneurship, business management

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی